



An Analysis on the Urban Identity Element of Sabzevar with Emphasis on the Views of Citizens

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Hajari F.¹MA

Zanganeh Y.*PhD

Hamidiyan A. R.² PhD

How to cite this article

Hajari, F., Zanganeh, Y., & Hamidiyan, A. R. (2018). An analysis on the urban identity element of Sabzevar, with emphasis on the views of citizens. *Iranian Journal of Geographical Researches*. 2018; 33(3):158-174. DOI: 10.29252/geores.33.2.158

¹Department of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

*Department of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

²Department of Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Correspondence

yz1345@gmail.com

Article History

Received: August 14, 2018

Accepted: July 14, 2018

ePublished: September 17, 2018

ABSTRACT

Introduction and Background: The issue of identity in general and urban identity in particular has a great importance because of the role that play in recognizing individuals, objects, communities and places. In spite of the importance of this issue, urban identity crisis is alarming in recent times. Natural elements, physical and socio-cultural components are three main elements identifying that conditions and characteristics of each of them determining their role in the identity of the city.

Aims: The main purpose of this study is investigate and identify the urban identity component of Sabzevar with emphasis on identifying the mentioned factors by citizens.

Methodology: This research method was of descriptive-analytic type. The data were collected through a document (library) method and a survey (questionnaire) method. The statistical population has been people over 15 years old of Sabzevar, who had been residence in this city for at least 5 years. The research units is Individual and samples are obtained using by Cochran formula a sample of 384 people.

Conclusion: The results show that on the basis relative frequency of recognized elements by the respondents, according to the group of synthetic and physical components with 44.21 percent, natural components with 30.29 percent and the human factor (25.49 percent) to be accounted as the most significant components of identity of Sabzevar city. Also citizens place attachment as one of elements of identity which is more than average level. Another result of this study is that among the 30 physical element of streets, squares and parks named by respondents, with the exception of 2 cases that are located in the city new part, the rest have taken place in old and central mid regions. In addition, these results indicate that there is no significant difference between the knowledge of residences regarding identity elements of physical and built environment of the city

Keywords: Sabzevar, Urban identity, Local Identity, Place Attachment, Views of Citizens

CITATION LINKS

(Alikhani, 2007); (Barreto & Ellemers, 2000); (Behzadfar, 2011); (Bell & De-Shalit, 2011); (Berger, 2016); (Brocato, 2006); (Cheshmehzangi, 2015); (Gharab, 2011); (Ghasemi Esfahani, 2004); (Habib, Naderi, & Froozangohar, 2008); (Hayati, 2010); (Landry & Murray, 2017); (Lewicka, 2008); (Lynch, 1995); (Manzo & Perkins, 2006); (Murzyn-Kupisz & Gwosdz, 2011); (Nientied, 2018); (Nofel, Kalbadi, & Porjafar, 2009); (Noqrekar, Hamzehnegad, & Ranjbar Kermani, 2009); (Payton, 2003); (Piran, 2005); (Qaraee, 2008); (Rezazadeh, 2010); (Riza, Doratli, & Fasli, 2012); (Sabri & Sharzadeh Mehrabi, 2006); (Sajjadzadeh, 2013); (Shajeie, 2015); (Singer, 2010); (Williams, Patterson, Roggenbuck, & Watson, 1992); (Zanganeh, 2002); (Zanganeh, Hossein Abadi, Roshandel, & Nabipoor, 2014); (Zarghami & Aminian, 2012)

تحلیلی بر عناصر هویت‌بخش شهر سبزوار با تأکید بر دیدگاه شهروندان

پذیرش نهایی: ۹۷/۴/۲۳

دریافت مقاله: ۹۶/۵/۲۳

DOI: 10.29252/geores.33.2.158

چکیده

مقدمه: موضوع هویت به‌طور عام و هویت شهری به‌طور خاص از جمله مقولاتی است که به دلیل نقشی که در شناخت افراد، اشیا، اجتماعات و مکان‌ها دارد، حائز اهمیت فراوان است. علی‌رغم اهمیت این موضوع، در دوران اخیر بحران هویت شهری به‌صورت نگران‌کننده‌ای احساس می‌گردد. عناصر طبیعی، کالبدی، مصنوعی و مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی سه عنصر اصلی هویت‌بخش شهرها هستند که شرایط و ویژگی‌های هر کدام میزان نقش‌آفرینی آن‌ها را در هویت‌بخشی شهر تعیین می‌کند.

اهداف: هدف اصلی این تحقیق ارزیابی و شناخت مولفه‌های هویت‌بخش شهر سبزوار با تأکید بر شناسایی عوامل یادشده توسط شهروندان است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایش (پرسشنامه) می‌باشد. جامعه آماری جمعیت بالای ۱۵ ساله شهر سبزوار بوده که حداقل ۵ سال سابقه سکونت در این شهر را داشته‌اند. واحد تحقیق فرد و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به‌دست آمده است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس فراوانی نسبی عوارض شناخته‌شده توسط پاسخگویان، به ترتیب گروه مولفه‌های مصنوعی و کالبدی با ۴۴/۲۱ درصد، مولفه‌های طبیعی با ۳۰/۲۹ درصد و مولفه‌های انسانی (۲۵/۴۹ درصد) به‌عنوان بارزترین مولفه‌های هویت‌بخش شهر سبزوار محسوب می‌شوند. همچنین سطح تعلق مکانی شهروندان به‌عنوان یکی دیگر از عناصر هویت‌بخش بیش‌ازحد متوسط است. یکی دیگر از نتایج این پژوهش این است که از میان ۳۰ عنصر کالبدی شامل خیابان‌ها، میادین و پارک‌های نام‌برده شده توسط پاسخگویان، به‌استثنای دو مورد که در مناطق نوساز شهر واقع شده‌اند، بقیه در بافت قدیمی و میانی شهر قرار دارند. علاوه بر این نتایج بیانگر آن است که بین شناخت ساکنان مناطق مختلف شهر از عناصر هویت‌بخش کالبدی و مصنوعی شهر، تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: سبزوار، هویت شهری، هویت مکانی، تعلق مکانی، دیدگاه شهروندان

مقدمه

مکان، محل و سرزمین برای مردم بسیار اهمیت دارند، چراکه آن‌ها توانایی هویت‌سازی بسیار بالایی دارند. مکان و فضا از آن‌رو برای افراد و گروه‌های مختلف مهم هستند که عناصر و اجزای اصلی هویت را تأمین می‌کنند. هویت داشتن در درجه نخست به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن است. هر فرد هنگامی خود را دارای هویت

می‌داند که از تمایز، پایداری و در جمع بودن خود اطمینان حاصل کند. مکان و فضا مهم‌ترین عواملی هستند که این نیازهای هویتی انسان را تأمین می‌کنند (Behzadfar, 2011). شهرها موجودات منحصربه‌فردی هستند که هویت آن‌ها تحت تأثیر افراد، اجتماع، عوامل طبیعی و انسان‌ساخت است (Riza, Doratli, & Fasli, 2012). هویت شهری حاصل تعامل میان انسان و فضا - مکان شهری است. در این تعامل، انسان به فضا - مکان‌های شهری معنایی خاص می‌بخشد و همچنین ارتباط نزدیکی با تجربه ذهنی و روانی هر فرد دارد. هویت شهری مجموعه‌ای از خاطرات، آمادگی‌های ذهنی در زیست جهان ساکنان شهری است (Gharab, 2011).

امروزه هویت شهری ما، همچون حلقه گم‌شده است و شهرها نه بر پایه هویت اصیل خود، بلکه بر پایه تقلیدهای بدون اندیشه از مظاهر غربی و الگوهای مدرن بدون توجه به الگوهای بومی در حال شکل‌گیری و گسترش‌اند. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته‌اند، لیکن امروز این شخصیت و موجودیت از میان‌رفته است و تمام آن‌ها به توده‌های مشابه یکنواختی بدل گشته‌اند (Rezazadeh, 2010). شهرهای ما در شرایط کنونی با نابسامانی و هرج‌ومرج در نحوه اسکان و استقرار جمعیت، فعالیت‌ها و چگونگی اشغال و استفاده از زمین، کمبود مسکن، کمبود در زمینه تأسیسات و تجهیزات و خدمات شهری و آلودگی‌های زیست‌محیطی، تفاوت‌ها، تضادها و نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی به حیات خود ادامه می‌دهند. به تبع آن‌ها، اضمحلال هویت فضایی‌شان نیز، شدت یافته، حیات مدنی، اجتماعی و فرهنگی شهر را تدریجاً از معنی تهی کرده است. بدون شک ادامه این روند و عدم تلاش در حفظ و احیای عناصر هویتی در شهرها، موجب بروز لطمات جبران‌ناپذیری به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی نهفته در شهرها و الگوهای شهرسازی سنتی ایران می‌گردد. بر این اساس برای حفظ و احیای سرزندگی و ایجاد زمینه‌های انسجام و مشارکت و امنیت اجتماعی شهروندان توجه به مقوله هویت به‌عنوان یک معیار توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط شهری ضرورت پیدا می‌کند.

شهر سبزوار با توجه به برخورداری از تاریخی طولانی‌مدت، صحنه وقوع حوادث تاریخی و حماسی برجسته از جمله قیام سرداران، حمله تیمور، خواستگاه رجال، مشاهیر و بزرگان مذهبی - تاریخی چون ابوالفضل بیهقی، حکیم حاج ملاهادی سبزواری، محمدتقی و علی شریعتی و ... بوده و دارای بناهای تاریخی متعدد و ارزشمندی می‌باشد. علی‌رغم همه این‌ها تا به حال پژوهشی مستقل در مورد هویت شهر سبزوار در هیچ سطحی انجام نشده است. با توجه به اینکه قدم اول در بحث هویت شهر، شناخت عناصر هویت‌بخش آن است، در این پژوهش این عناصر در شهر سبزوار مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. هدف اصلی این تحقیق ارزیابی و شناخت مولفه‌های هویت‌بخش و ابعاد مختلف هویتی شهر سبزوار، همچنین تحلیل عوامل و عناصر تأثیرگذار بر آن با تأکید بر دیدگاه شهروندان است تا بر مبنای این شناخت بتوان در جریان تحول و توسعه پیوسته شهر در طول زمان، بسترهای لازم جهت حفظ و تقویت این عناصر را فراهم کرد تا همگام با توسعه کالبد شهر معنا و هویت آن حفظ گردد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات متعددی در رابطه با هویت شهری انجام شده است. کویپز و گوسدز^۱ در تحقیقی در مورد تغییر هویت در شهرهای یکی از شهرستان‌های اروپای مرکزی بیان می‌دارد. کاتوویتس^۲ نشان‌دهنده یک مدل خاص از شکل‌گیری هویت شهری در مرکز و شرق اروپا است. هر دوره تاریخی نشان‌دهنده جدایی از ارزش‌ها و تلاش برای ایجاد یک چشم‌انداز مادی ماندگار با تمرکز بر حال و آینده است که در نتیجه تغییرات سیاسی و مبارزه برای قدرت، بین گروه‌های مختلف اجتماعی و قومی به

1 Kupisz and Gwosds

2 Kotwitce

وجود آمده است (Murzyn-Kupisz & Gwosdz, 2011). پیران (۱۳۸۴)، هویت شهرها را مفهومی بسیار پیچیده دانسته و در مقاله خود ضمن واکاوی معنا و مفهوم هویت و هویت شهری به معرفی ابعاد و عناصر هویت مکانی (شهری) پرداخته است. او پیشنهاد می‌کند که مفهوم هویت شهری باید همواره در قالب سه مفهوم دیگر یعنی متن، محتوا و احساس تعلق، دلبستگی و وابستگی نگریسته شود (Piran, 2005). حبیب (۱۳۸۷)، هویت شهر را واجد حالتی ذاتی و دروندادی دانسته که بر کالبد شهر تأثیر می‌گذارد، لذا سیمای کالبدی شهرهای وابسته به یک فرهنگ و جهان‌بینی خاص را از فرهنگ و ساختار دیگر متمایز می‌کند (Habib, Naderi, & Froozangohar, 2008). در مقاله دیگری ضرغامی و امینیان (۱۳۹۱) موضوع هویت شهری را از دیدگاه منظر شهری و عناصر آن مثل مبلمان شهری، فضای سبز، جداره‌ها، فضاها، فضاهای شهری، مسیرهای پیاده، تبلیغات شهری، هنر شهری و نورپردازی را مورد بررسی قرار داده است و همچنین عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی را نیز در این امر دخالت داده و به این نتیجه رسیده‌اند که در بخش‌هایی از شهر که اغتشاش دیداری کم‌تری وجود دارد و عناصر منظر شهر از یک تناسب مطلوب دیداری بهره‌مند هستند، ساکنان نسبت به آن احساس تعلق نسبتاً بیشتری دارند. درنهایت اینکه منظر خوب شهری می‌تواند باعث ارتقای هویت شهر شود (Zarghami & Aminian, 2012). نوفل و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله خود به بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری (نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان) بر مبنای مطالعات میدانی و تطبیقی پرداخته است و درنهایت راهکارهایی را در راستای ارتقای هر چه بیشتر این شاخص‌ها در این محله ارائه داده است. او نتیجه می‌گیرد که به دلیل چندوجهی بودن ابعاد هویتی شهر، اخذ یک رویکرد سیستمی و همه‌جانبه نگر که در آن تمام ابعاد باهم مورد توجه قرار داده شود، ضروری است (Nofel, Kalbadi, & Porjafar, 2009). حیاتی (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "ارزیابی مولفه‌های هویت‌بخش محلات شهری (در محله اوین شهر تهران)" نشان داد که هویت اجتماعی و کالبدی و همچنین حس مشارکتی مردم ساکن محله اوین در میزان پایینی قرار دارد و معین شد که رابطه معناداری میان دو بعد اجتماعی و کالبدی هویت محله اوین وجود دارد. همچنین بین هویت محله اوین و میزان مشارکت مردم محله نیز رابطه معناداری وجود داشته است (Hayati, 2010).

مبانی نظری

تعریف و مفهوم هویت

در تعاریف ارائه‌شده از هویت به‌طور عام غالباً با دو موضوع متقابل برخورد داریم. هویت از یک سو منحصر به فرد بودن و خاص بودن را بیان می‌کند و از سوی دیگر در بیان مشابهت‌های بین گروهی به کاررفته می‌رود (Qaraee, 2008). مفهوم هویت از متمایز کردن و طبقه‌بندی برمی‌خیزد که خود زاده تنوع است. به همین دلیل جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی، همواره مفهوم هویت را به گونه‌ای مرتبط با سه مفهوم متن، محتوا و تعهد و وابستگی مورد بحث قرار می‌دهند. این سه مفهوم بنیاد نظریه‌های گوناگون مرتبط با هویت از جمله نظریه خود طبقه‌بندی به حساب می‌آید. بر اساس این نظریه، آدمیان برای تعریف هویت خود از گروه، آن‌هم در مقام مقایسه با سایر گروه‌های استفاده می‌کنند (Barreto & Ellemers, 2000).

در رابطه با چیستی هویت دو رویکرد وجود دارد؛ ۱- رویکرد جوهری برای هویت یک وجه طبیعی قایل است. این دیدگاه تا حدودی سعی می‌کند، مفهوم هویت را در یک چارچوب تاریخی با منشأ زیستی و حتی طبیعی توضیح دهد. از جمله پیامدهای این دیدگاه، اعتقاد به ثبات و تغییرناپذیر بودن هویت است. ۲- دیدگاه سازه‌گرا، این دیدگاه که اخیراً، در نتیجه گفت‌وگوهای پسامدرن، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، هویت را بیشتر به‌عنوان یک شالوده یا سازه اجتماعی در نظر می‌گیرد و تأکیدش

بر این است که هویت جنبه ذهنی دارد و نه طبیعی. بر مبنای این تلقی از هویت، هویت‌ها در جریان مراودات و آمیزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند (Alikhani, 2007).

یکی دیگر از معانی هویت که علاوه بر برخی رهیافت‌های فلسفی، بر فهم عمومی و عامیانه آن استوار شده «ماهیت و تشخیص» است. بدین ترتیب آن چه موجب شناسایی شیء باشد یا به عبارت دیگر چیستی شیء، هویت آن را تشکیل می‌دهد (Noqrekar, Hamzehnegad, & Ranjbar Kermani, 2009). «تنها پدیده‌ای که دغدغه هویت دارد، انسان است و همواره به دنبال ابزاری می‌گردد که به واسطه آن خود را تبیین کند. تبیین خویشتن به صورت منتزع از سایرین امکان‌پذیر نیست. بر این مبنای دستیابی به هویت شخصی نیز تابع یک فرآیند اجتماعی است» (Ghasemi Esfahani, 2004).

هویت مکانی

مکان نیز می‌تواند متمایزکننده و هویت‌بخش باشد. بر این اساس مفهومی به نام هویت مکانی شکل می‌گیرد. هویت مکانی به جنبه ذهنی رابطه بین انسان و مکان اشاره دارد و اینکه مکان به هویت خود فرد کمک می‌کند (Payton, 2003). در این رابطه دلبستگی به مکان به عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مکان‌هاست. این دلبستگی مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضاست و به واسطه خصوصیات فردی، جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود (Sajjadzadeh, 2013). از نظر پروشانسکی^۱ مفهوم هویت مکانی به آن دسته از ابعاد خویشتن اشاره دارد که هویت فردی اشخاص را در رابطه با محیط فیزیکی‌شان تعریف می‌کند. در هویت مکانی، مکان وسیله‌ای است که فرد خودش را از دیگران (افراد خارج از مکان) متمایز می‌سازد و نیز حس همسانی خود را با افراد داخل مکان حفظ می‌کند (Lewicka, 2008). به تعبیری دیگر هویت مکان از نظر پروشانسکی عبارت است از آن ابعاد خویشتن که در ارتباط با محیط فیزیکی از طریق الگویی از عقاید، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها و اهداف به وجود آمده و توسعه می‌یابد. این یک پدیده دینامیک است که از طریق تجربیات زندگی به وجود می‌آیند و تبدیل می‌شوند (Manzo & Perkins, 2006).

وابستگی مکانی دومین بعد هویت مکانی است. اسکلز و شوماخر^۲ (۱۹۸۱) مفهوم وابستگی مکانی را به عنوان شکلی از تعلق تعریف کرده‌اند که با پتانسیل مکان خاص برای ارضای نیازها و اهداف افراد مربوط می‌شود، یعنی اینکه یک مکان خاص در مقایسه با سایر مکان‌های موجود چه شرایط قابل دسترسی برای ارضای همان نیازها در اختیار دارد (Williams, Patterson, 1992). مکان‌ها فقط شامل محیط فیزیکی نیستند. مردم خود جزئی از مکان‌اند. بنابراین یکی از ابعاد حس مکان، تعلق خاطر به مردمی است که در آن مکان زندگی می‌کنند. درباره اهمیت پیوندهای اجتماعی در مکان‌ها، تحقیقات زیادی صورت گرفته است. هیدالگو و هرناندز^۳ (۲۰۰۱)، در مقایسه پیوندهای فیزیکی و اجتماعی با محیط دریافتند که پیوندهای اجتماعی نسبت به تعلق به جنبه‌های فیزیکی مکان در شرایط فضایی مختلف قوی‌تر عمل می‌کند (Brocato, 2006).

هویت شهری

شهر و عناصر و اجزای آن به عنوان مجموعه‌ای از عناصر خارجی، بر شهروند تأثیر می‌گذارند. تأثیر این عناصر بر فرد منجر به درک و تجربه فضایی فرد از شهر می‌گردد و نهایتاً این تجربه و درک فضایی باعث شکل‌گیری تجربه‌های شخصی، جمعی و خاطرات شهروندی می‌شود. می‌توان گفت آن چه از آن به عنوان هویت شهری یاد می‌شود، عبارت است از فرایند ایجاد همین احساس میان فرد به عنوان «شهروند» و شهر و عناصر آن به عنوان «عناصر خارجی» (Sabri & Sharzadeh Mehrabi, 2006).

1 Proshanski

2 Skols and Shumaker

3 Hidalgo and Hernandez

هویت شهری به اقسام مختلف تعریف شده است که هر کدام به مفهوم تمایز اشاره دارد (Cheshmehzangi, 2015). مفاهیم مورد استفاده برای هویت شهری شامل هویت مکان، حس مکان، تصویر مکان (Bell & De-Shalit, 2011)، شخصیت مکان (Landry & Murray, 2017)، ویژگی مکان (Berger, 2016) و معنویت مکان (Singer, 2010) می‌شود. از مجموع مفاهیمی که برای تعریف هویت شهری استفاده شده است می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین مردم و مکان که به وسیله ابعاد عاطفی و شناختی مشخص می‌شود و از طریق تعلق و شناسایی مکان تعریف می‌شود، جوهره اصلی هویت شهری را تشکیل می‌دهد (Nientied, 2018). اساساً هویت شهری توسط فرهنگ شهری و خرده فرهنگ‌های متعلق به آن بر بستر تاریخ و در دل ساختار اجتماعی وسیع‌تری که جامعه را در برمی‌گیرد و در روند تحولات اقتصادی و سیاسی آن شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود (Piran, 2005).

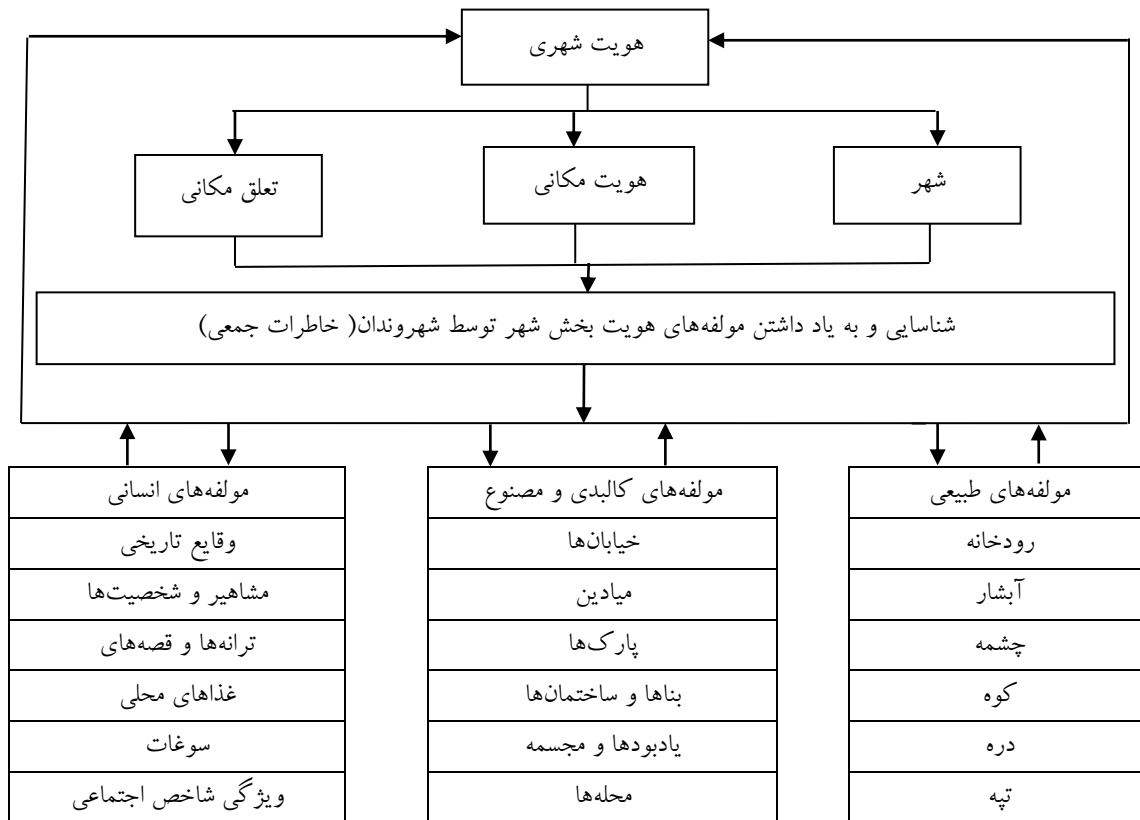
ابعاد هویت فضایی و از جمله هویت شهری متعدد و روابط بین آن‌ها بسیار پیچیده است اما سه وجه کلیدی که بر اساس آن می‌توان چارچوب را مشخص ساخت، عبارت‌اند از؛ امر تاریخی، امر فضایی- مکانی، و در نهایت امر جمعی. امر تاریخی اشاره به وجه زمانی آگاهی و دریافت درونی فرد دارد که به اشکال خاطرات و یادها ترسیم و حفظ می‌شوند، امر مکانی- فضایی اشاره به صورت عینی هویت دارد و در نهایت امر جمعی دلالت به این مورد دارد که هویت شهری و فضایی ضرورتاً یک امر اجتماعی است (Gharab, 2011).

کوبین لینچ دو کارکرد را برای هویت شهر قایل است؛ اول اینکه به انسان قدرت تشخیص می‌دهد که بتواند شهر را بخواند و پیش‌بینی کند و به همین دلیل خوانایی از مهم‌ترین کارکرد هویت است. دوم عملکرد عاطفی هویت محیط است که حس ایمنی به فرد می‌دهد. این نوع هویت با حس مکان می‌تواند احساس تعلق به همراه داشته باشد و میان مردم و مکان‌ها ارتباط برقرار کند (Lynch, 1995).

برای بررسی هویت هر شهر می‌باید در جهت شناخت صفات اختصاصی و برجسته متغیرهای تشکیل‌دهنده سه دسته از مؤلفه‌های طبیعی، مصنوع و انسانی اقدام کرد. اجزای مؤلفه‌های طبیعی از متغیرهایی چون کوه، دشت، رود، تپه‌ماهور و نظیر آن برخوردار است. اجزای مؤلفه مصنوع را متغیرهایی چون تک بناها، بلوک شهری، محله، راه، خیابان، میدان و نظیر آن تشکیل می‌دهند. اجزاء مؤلفه‌های انسانی در متغیرهایی چون زبان، دین، سواد، اعتقادات محلی، آداب و رسوم و نظیر آن تجلی می‌یابند. این مؤلفه‌ها زمانی نقش هویتی برای شهر ایفا می‌کنند که شهروندان با آن‌ها رابطه عاطفی و تعلق برقرار کرده و نام و تصاویر آن‌ها در ذهن شهروندان ماندگار شود و جزئی از خاطرات جمعی مردم محسوب شوند (Behzadfar, 2011). بنابراین برای شناسایی عناصر هویت‌بخش شهر بررسی و مطالعه آن از دیدگاه شهروندان ضروری به نظر می‌رسد.

چارچوب تئوریک تحقیق

بر اساس مبانی نظری و ادبیات موضوعی و در راستای اهداف و فرضیه‌های تحقیق، چهارچوب تئوریک پژوهش به شرح شکل ۱ طراحی گردیده است. به این ترتیب که ابتدا مفاهیم و تعاریف اساسی مرتبط با هویت شهری از جمله، تعریف شهر، هویت مکانی و تعلق مکانی مورد بررسی قرار گرفته است، سپس عناصر و مؤلفه‌های هویت‌بخش در سه گروه، مؤلفه‌های طبیعی، مؤلفه‌های کالبدی و مصنوع و مؤلفه‌های انسانی با تأکید بر شناسایی و یادآوری آن‌ها توسط شهروندان مشخص و بر اساس فراوانی پاسخگویی که هر کدام از مؤلفه‌های یاد شده را می‌شناخته و به آن اشاره کرده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.



شکل ۱- چهارچوب مفهومی تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی (پرسشنامه) می‌باشد. در روش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب، گزارشات تخصصی، سفرنامه‌ها، مبانی نظری، اطلاعات موردنیاز درباره شهر مورد مطالعه گردآوری شده است. در روش میدانی نیز با توجه به اینکه موضوع تحقیق بر نظر شهروندان تأکید دارد، با استفاده از روش پیمایشی (پرسشنامه)، اطلاعات موردنیاز در راستای فرضیه‌های تحقیق جمع‌آوری شده است. جامعه آماری جمعیت بالای ۱۵ ساله شهر سبزوار بوده که حداقل ۵ سال سابقه سکونت در این شهر را داشته‌اند. واحد تحقیق فرد و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمده است. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده گردآوری شده‌اند. به این معنی که ابتدا شهر بر اساس بافت‌های کالبدی به بخش مرکزی (بافت قدیم)، بافت میانی، بافت جدید، حاشیه شهر و توحید شهر دسته‌بندی شده و نمونه‌ها متناسب با جمعیت هر قسمت به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها پس از دسته‌بندی و کدگذاری با به کارگیری نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌ها و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

برای آزمون پایایی سؤالات پرسشنامه از آزمون الفای کرونباخ استفاده شده است. به این ترتیب که تعداد ۵ گویه از گویه‌های مربوط به سنجش سطح تعلق مکانی پاسخگویان که بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت رتبه‌بندی شده‌اند، انتخاب و آزمون آلفای کرونباخ روی آن انجام شد. نتیجه آزمون در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- نتیجه آزمون آلفای کرونباخ جهت سنجش پایایی پایان‌نامه

تعداد داده‌ها	تعداد معتبر	درصد معتبر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
۳۸۴	۳۵۸	۰/۸۸	۵	۰/۸۱۹

در آزمون آلفای کرونباخ چنان چه ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۷ بیشتر باشد، بیانگر وجود پایایی در داده‌هاست. با توجه به اینکه ضریب به‌دست آمده (۰/۸۱۹) بیشتر از ۰/۷ است، پایایی سؤالات پرسشنامه مورد تأیید قرار می‌گیرد. متغیرهای مورد استفاده در تحقیق در چهار گروه متغیرهای زمینه‌ای، عناصر هویت‌بخش طبیعی، عناصر هویت‌بخش کالبدی - مصنوعی و مولفه‌های انسانی دسته‌بندی شده‌اند. متغیرهای زمینه‌ای شامل ویژگی‌های فردی و اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان شامل، سن، جنس، سطح تحصیلات، مدت اقامت در محل، وضعیت اشتغال می‌شود. عناصر هویت‌بخش طبیعی عوارضی مانند رودخانه، آبشار، کوه و چشمه را شامل می‌شود. عناصر هویت‌بخش کالبدی - مصنوعی شامل خیابان، میدان، بناها و ساختمان‌ها، مجسمه‌ها و یادبودها و پارک‌ها و مولفه‌های انسانی شامل مشاهیر و بزرگان، حوادث تاریخی و ترانه‌ها و سرودها می‌شود.

معرفی محدوده مورد مطالعه

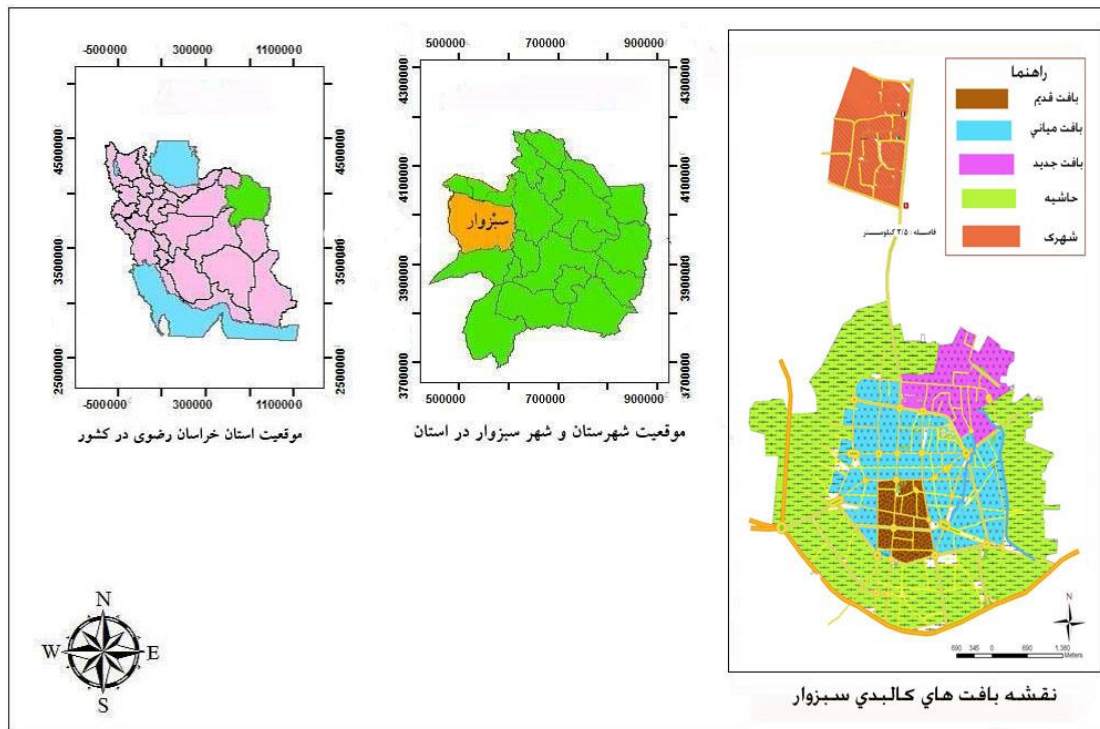
شهر سبزوار از نظر موقعیت ریاضی در محدوده طول‌های جغرافیایی ۵۷ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۵۱ دقیقه شرقی و عرض‌های جغرافیایی ۳۶ درجه و ۸ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۱ دقیقه شمالی قرار گرفته است. این شهر در منطقه نسبتاً هموار پوشیده شده از رسوبات آبرفتی با ارتفاع ۹۷۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است.

سبزوار یکی از شهرهای میانی کشور و مرکز یکی از شهرستان‌های نسبتاً وسیع و پرجمعیت در بخش غربی خراسان رضوی واقع شده است. ویژگی‌های اقلیمی و توپوگرافی حاکم بر ناحیه از جمله گرمی و خشکی هوا، کمیت و کیفیت نامناسب آب‌های سطحی و زیرزمینی، کیفیت نامناسب خاک و ... با محدودیت‌ها و تنگناهایی برای فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی همراه است. بافت کالبدی شهر با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی گرم و خشک شکل گرفته است. شکل و ساختار ابنیه، مصالح به کاررفته در ساخت، فضاهای شهری و تزئینات در بافت قدیمی شهر همگی به‌صورت همگون و هماهنگ در کنار هم هویت این شهر را از نظر جغرافیایی به نمایش می‌گذارد (Shajeie, 2015). موقعیت چهارراهی مناسب و سابقه دیرینه سبزوار، جایگاه آن را به‌عنوان یکی از کانون‌های عمده شهری و مرکز مبادلات ناحیه‌ای و منطقه‌ای تثبیت کرده است. به‌طوری که تجارت و بازرگانی از گذشته تا به حال به‌صورت فعالیت‌های عمده و پایه اقتصادی شهر در آمده است. وجود سراهای متعدد تجاری در داخل شهر و کاروان‌سراها در حواشی بیرونی شهر گواهی بر کارکرد تجاری دیرینه این شهر دارد. سراهایی که هرکدام در نوع معماری از ویژگی منحصر به فردی برخوردار بوده و از سایر بناها متمایز است. همچنین مرکزیت این شهر به‌عنوان مرکز شهرستان باعث تمرکز اداری و گسترش خدمات عمومی به‌ویژه در بخش آموزش و بهداشت شده است. این شرایط زمینه را برای ایجاد فرصت‌های شغلی متعدد و متنوع فراهم نموده است (Zanganeh, 2002).

سابقه تاریخی طولانی مدت شهر سبزوار و وقایعی که در طول دوره‌های مختلف تاریخی بر این شهر گذشته است باعث شده است که بناهای تاریخی متعددی در این شهر برجای مانده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مساجد، آرامگاه‌ها، کاروان‌سراها و خانه‌های شاخص قدیمی با معماری سنتی اشاره کرد. به‌طوری که این بناها به همراه حادثه مهم تاریخی نهضت سرداران در این منطقه نقش مهمی در شکل‌گیری عناصر هویت‌بخش این شهر ایفا می‌کند.

روند تحولات جمعیت شهری سبزوار تقریباً شبیه اغلب شهرهای قدیمی کشور بوده است. هم‌زمان و همگام با روند تحولات اجتماعی - اقتصادی کشور از اوایل قرن حاضر، این شهر نیز مرحله جدیدی از رشد و توسعه خود را آغاز کرد. همگام با این

تحولات جمعیتی، توسعه فیزیکی شهر نیز با روندی متفاوت در دوره‌های مختلف صورت گرفته و باعث تحول در ساخت کالبدی و شکل‌گیری بافت‌های جدید شهر گردیده است. به طوری که در حال حاضر ساخت کالبدی و سیمای کلی شهر را ترکیبی از بافت‌های قدیم و جدید (بافت جدید منظم، بافت حومه‌ای و نیمه روستایی نامنظم و بافت ناپیوسته منظم) تشکیل می‌دهد. توسعه فیزیکی شهر علاوه بر گسترش در پیرامون موجب تحولات کالبدی تدریجی در بافت تاریخی شهر نیز شده است. به طوری که کارکردهای نامناسب، مبلمان شهری، تبلیغات شهری، ساخت‌وسازهای جدید، استفاده از المان‌های نامأنوس و بی‌ربط در بافت تاریخی باعث از دست دادن عناصر هویت‌بخش در این بافت شده است (Shajeie, 2015). ادامه این روند می‌تواند منجر به نابودی بیشتر عناصر هویت‌بخش شهری شده و بحران هویت را در پی داشته باشد.



شکل ۲- موقعیت شهر سبزوار در استان خراسان رضوی و کشور

یافته‌های توصیفی تحقیق

بررسی آمار توصیفی نمونه‌ها از این نظر اهمیت دارد که با توجه به تعداد کافی نمونه (۳۸۴) و روش نمونه‌گیری تصادفی، ویژگی‌های آماری نمونه تا حد زیادی بیانگر ویژگی‌های جامعه آماری یعنی شهر سبزوار می‌باشد. داده‌های حاصل از آمار توصیفی مرتبط با ویژگی‌های فردی و اجتماعی - اقتصادی نمونه‌ها نشان می‌دهد که از نظر سنی بیشترین درصد پاسخگویان در رده سنی ۲۶ تا ۳۵ سال با ۳۲/۵ درصد و بعد از آن گروه‌های سنی ۳۶ تا ۵۰ سال (۳ درصد) و گروه ۱۵ تا ۲۵ سال با ۲۸/۱ درصد قرار دارند. جنسیت ۵۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۲ درصد زن بوده است. از نظر قومیت ۹۵/۶ فارس و ۴/۲ درصد ترک و ۱/۳ درصد از سایر اقوام بوده‌اند. محل سکونت ۳۷/۶ درصد از پاسخگویان در بافت میانی، ۳۱ درصد بافت جدید، ۱۳/۲ درصد بافت قدیم، ۹/۸ درصد توحید شهر و ۸/۴ درصد در حاشیه شهر بوده است.

با توجه به ماهیت و هدف تحقیق، سؤالات پرسشنامه به صورت بازطراحی شده‌اند. به طوری که هر پاسخگو مجاز بوده است در پاسخ به هر یک از سؤالات مربوط به مؤلفه‌های طبیعی، مصنوعی و انسانی شهر سبزوار، به ۱ تا ۶ عارضه‌ای که می‌شناخته و برایش مهم بوده است، به طور فی‌البداهه اشاره کند. جدول ۲ درصد فراوانی ۱۰ عارضه‌ای که بیشترین فراوانی را در بین پاسخ‌ها

به خود اختصاص داده‌اند را نشان می‌دهد. عارضه‌ای که بیشترین درصد رادار است نشان‌دهنده این است که افراد بیشتری آن را می‌شناخته و اسم آن را ذکر کرده‌اند.

جدول ۲- درصد فراوانی عوارضی که پاسخگویان آن را می‌شناخته و به آن اشاره کرده‌اند^۱

عوارض کالبدی مصنوعی				عوارض طبیعی			
پارک‌ها		میدانین		خیابان‌ها			
نام عارضه	درصد	نام عارضه	درصد	نام عارضه	درصد	نام عارضه	درصد
شهربازی	۶۰/۴	کارگر (زند)	۴۶/۱	بیهق	۸۹/۸	رودخانه بید و برغمد	۲۹/۸
ارم	۵۸/۵	حکیم سبزواری	۴۵/۳	کاشفی	۷۸/۶	رودخانه ششتمد	۲۹
باغ ملی	۴۲/۲	بهشتی	۳۸	اسرار	۳۰	رودخانه بلاش آباد	۲۸/۱
سلامت	۳۷/۲	شریعتی	۳۷/۵	۲۴ متری انقلاب	۲۶	رودخانه دلبر	۲۲
بعثت	۳۰	۲۲ بهمن	۳۰	مدرس	۲۰/۳	کوه شملق	۱۸/۸
شهدای گمنام	۲۰/۸	دروازه عراق	۲۹/۴	طالقانی	۱۴/۶	کوه سفید سنگ	۱۵/۴
سی هزارمتری	۱۳/۳	مادر	۲۶/۸	اسد آبادی	۱۳/۳	رودخانه کالشور	۱۴/۸
سیلو	۱۰/۲	طالقانی	۲۰/۶	عظاملک	۱۱/۷	رودخانه طیس	۱۳/۳
چانبازان	۹/۸	اسرار	۱۹/۳	بهار	۱۱/۲	کوه میش	۸/۶
استیر	۶/۸	فهمیده	۱۷	قائم	۸/۹	چشمه بفره	۷/۴
مولفه‌های انسانی							
عوارض کالبدی مصنوعی				مشاهیر و بزرگان			
ترانه‌ها و سرودها		حوادث تاریخی					
نام عارضه	درصد	نام عارضه	درصد	نام عارضه	درصد	نام عارضه	درصد
آرامگاه اسرار	۵۱/۶	ملاهادی سبزواری	۷۶/۶	جنش سرداران	۵۴/۷	ننه گل محمد	۴۵/۳
میل خسروگرد	۴۷	دکتر شریعتی	۵۲/۱	حمله مغول	۱۵/۱	کلیدر	۴/۴
مسجد جامع	۳۴/۹	ابوالفضل بیهقی	۳۸	انقلاب اسلامی	۷/۶	سرود سبزوار	۳/۱
آرامگاه کاشفی	۲۹/۲	حمید سبزواری	۳۶/۲	اعتراض به عدم ارتقاء سبزوار به مرکز استان	۷/۴	اسب چوبی	۳/۲
موزه مردم‌شناسی	۲۲/۱	کاشفی	۲۷/۶	گل محمد	۳/۲	قصه جولی چغل	۲/۱
مسجد پامنار	۲۱/۹	محمود دولت‌آبادی	۹/۴			قصه و روایت سریداران	۶/۱
مصلى سبزوار	۱۷/۴	استاد ماستیانی	۸/۱				
امامزاده یحیی	۱۲	ابن یمین	۸/۶				
امامزاده شعیب	۱۱/۷	سیادتى	۶				
آتشکده آذربرزین	۷/۵	حاج آقا علوی	۶/۳				

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که در بین عوارض طبیعی، رودخانه‌های بید و برغمد، ششتمد و بلاش آباد شناخته‌شده‌ترین عوارض برای پاسخگویان بوده است. از میان خیابان‌ها، خیابان‌های بیهق و کاشفی بافاصله زیادی نسبت به بقیه، بالاترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در رتبه‌های بعدی خیابان‌های اسرار، ۲۴ متری انقلاب و مدرس معروف‌تر بوده‌اند. میدان کارگر (زند)، حکیم سبزواری، بهشتی، شریعتی، ۲۲ بهمن و دروازه عراق از نظر پاسخگویان شناخته‌شده‌تر بوده‌اند. از بین پارک‌ها، بیشترین درصد پاسخگویان به پارک‌های شهربازی (لاله)، ارم، باغ ملی، سلامت و بعثت اشاره کرده‌اند.

۱. به علت کثرت متغیرها و تنوع بالای جواب‌ها تنها به ده مورد پاسخ‌های اول هر سوال که دارای بیشترین فراوانی بوده اشاره شده و عوارضی که درصد ناچیزی را به خود اختصاص داده‌اند، نادیده گرفته شده است. فراوانی و درصد فراوانی قید شده در جدول بیانگر تعداد و درصدی از پاسخگویان است که عارضه مورد نظر را می‌شناخته و نام آنرا قید کرده‌اند. از این رو جمع درصد فراوانی‌های نسبی بیشتر از صد درصد بدست می‌آید چرا که هر نفر می‌توانسته به بیش از یک عارضه (۱ تا ۶) عارضه اشاره کند.

از بناهای تاریخی معروف از نظر پاسخگویان می‌توان به آرامگاه اسرار، میل خسروجرده، مسجد جامع و آرامگاه کاشفی اشاره کرد. مشاهیر و بزرگان چون ملا هادی سبزواری، دکتر علی شریعتی، ابوالفضل بیهقی، حمید سبزواری و کاشفی شناخته‌ترین شخصیت‌ها بوده‌اند. از حوادث تاریخی معروف از نظر پاسخگویان می‌توان به جنبش سرداران و حمله مغول به سبزواری اشاره کرد. از ترانه‌ها و سرودهای محلی که درصد بالایی (۴۵ درصد) از پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند، ترانه ننه گل محمد است که قصه آن به تفصیل در رمان کلیدر تألیف محمود دولت‌آبادی آمده است.

یکی از عناصر هویت‌بخش شهر میزان تعلق مکانی ساکنان آن است. برای سنجش سطح تعلق مکانی در بین ساکنان سبزواری تعداد ۱۱ گویه مرتبط با تعلق مکانی بر اساس طیف لیکرت طرح و توسط پاسخگویان جواب داده شده است که به دلیل پرهیز از اطاله کلام از آوردن نتایج تفصیلی (جدول توزیع فراوانی) آن خودداری گردیده و میانگین نمره گویه‌ها محاسبه شده و با استفاده از آزمون تی تک نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه سؤالات در طیف لیکرت گروه‌بندی شده بودند، عدد ۳ به‌عنوان حد وسط در نظر گرفته شده است. نتایج این آزمون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- نتایج آزمون تی تک نمونه برای میانگین محاسبه شده از ۱۱ گویه مربوط تعلق مکانی

مؤلفه	تعداد	میانگین	سطح معناداری	نتیجه آزمون
میانگین تعلق مکانی	۳۸۳	۳/۴۹	۰/۰۰۰	بیش از حد متوسط

نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه نشان می‌دهد میانگین به دست آمده (۳/۴۹) به‌طور معناداری از عدد ۳ بزرگ‌تر است. به این معنی که در مجموع سطح تعلق مکانی نمونه مورد بررسی بیش از حد متوسط است. نتایج تحقیق دیگری که در رابطه با تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی سبزواری (مورد: محله سرده) انجام گردیده است، نشان می‌دهد سطح سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی در محله یادشده بالاتر از حد متوسط بوده است (Zanganeh, Hossein Abadi, 2014).

یافته‌های تحلیلی

یکی از سؤالات اساسی این پژوهش این است که از نظر شهروندان کدام دسته از عناصر طبیعی، مصنوعی و انسانی نقش مهم‌تری در هویت‌بخشی شهر سبزواری دارند؟ برای یافتن پاسخی منطقی و مستدل برای این سؤال با توجه به گویه‌های مربوط به هر یک از شاخص‌ها از آمار توصیفی استفاده شده است. به این صورت که ابتدا مجموع تعداد دفعاتی که پاسخگویان به هر یک از گویه‌های سه دسته از شاخص‌های انسانی، مصنوعی و طبیعی اشاره کرده‌اند، به دست آمده است. از آنجا که تعداد گویه‌ها در هر دسته یادشده متفاوت می‌باشد (عوامل انسانی: ۵ گویه، عوامل مصنوعی و کالبدی: ۵ گویه و عوامل طبیعی ۱ گویه)، میانگین فراوانی گویه‌ها در هر دسته محاسبه شده است و در نهایت درصد فراوانی نسبی میانگین هر دسته از عوامل نسبت به جمع میانگین فراوانی‌ها در هر سه گروه به دست آمده است. حاصل این محاسبات در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴- مجموع، میانگین و درصد فراوانی نسبی مؤلفه‌ها به تفکیک سه گروه

مؤلفه‌های مصنوعی و کالبدی		مؤلفه‌های انسانی		مؤلفه‌های طبیعی	
نام عارضه	جمع فراوانی	نام مؤلفه	جمع فراوانی	نام عارضه	جمع فراوانی‌ها
خیابان	۱۱۷۵	واقعه تاریخی	۳۲۴		
میدان	۱۱۹۰	مشاهیر و بزرگان	۱۰۱۵	رودخانه، آبشار،	
پارک	۱۱۰۵	ترانه و قصه	۲۲۶	کوه و دره، چشمه	۷۰۷
بنای تاریخی	۹۷۳	غذای محلی	۸۰۷	و ...	
محله قدیمی	۴۹۷	سوغات سبزوار	۶۰۳		
مسجد و امامزاده	۱۲۵۴	-	-		
جمع	۶۱۹۴	-	۲۹۷۵		۷۰۷
میانگین در هر گروه	۱۰۳۲	-	۵۹۵		۷۰۷
درصد فراوانی نسبی در کل	۴۴/۲۱	-	۲۵/۴۹		۳۰/۲۹

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که درصد فراوانی نسبی به ترتیب در گروه مؤلفه‌های مصنوعی و کالبدی (۴۴/۲۱ درصد)، مؤلفه‌های طبیعی (۳۰/۲۹ درصد) و مؤلفه‌های انسانی (۲۵/۴۹ درصد) می‌باشد. به عبارت دیگر به ترتیب نقش عوامل مصنوعی و کالبدی، عوامل طبیعی و عوامل انسانی در هویت‌بخشی شهر سبزوار پررنگ است. شاید دلیل این ترتیب را بتوان این گونه توجیه کرد که عناصر مصنوعی و کالبدی بیش از هر عارضه‌ای به‌طور مستمر و آشکار در معرض دید عموم شهروندان قرار دارند و مردم در فعالیت‌های روزمره مثل کار، خرید، گذران اوقات فراغت، عبادت‌های دسته‌جمعی و مراسم آیینی، بازدید دوستان و آشنایان و ... با عناصر کالبدی از جمله؛ خیابان‌ها، میادین، پارک‌ها، اماکن مذهبی و بناهای تاریخی سروکار دارند. بنابراین به دلیل تکرار و تداوم استفاده و مواجه شدن با این مکان‌ها، نام این عوارض به‌طور ناخودآگاه در ذهن ساکنان ثبت می‌شود. سؤال دیگری که این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به آن است عبارت از این است که آیا از نظر شهروندان بین عناصر هویت‌بخش کالبدی در مناطق جدید ساخته شده و بافت قدیمی شهر تفاوت معناداری وجود دارد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال از جداول آمار توصیفی که قبلاً به آن اشاره شد، استفاده می‌کنیم. جدول ۵ فراوانی و درصد فراوانی عناصر کالبدی (نام خیابان‌ها و میادین) را که توسط پاسخگویان به آن اشاره شده است، نشان می‌دهد.

جدول ۵- توزیع و درصد فراوانی عناصر کالبدی (نام خیابان‌ها و میادین و پارک‌ها)

نام خیابان	درصد فراوانی	نام میدان	درصد فراوانی	نام پارک	درصد فراوانی
بیهقی	۸۹/۸	کارگر (زند)	۴۶/۱	شهربازی	۶۰/۴
کاشفی	۷۸/۶	حکیم سبزواری	۴۵/۳	ارم	۵۸/۵
اسرار	۳۰	بهشتی	۳۸	باغ ملی	۴۲/۲
۲۴ متری انقلاب	۲۶	شریعتی	۳۷/۵	سلامت	۳۷/۲
مدرس	۲۰/۳	۲۲ بهمن	۳۰	بعثت	۳۰
طالقانی	۱۴/۶	دروازه عراق	۲۹/۴	شهدای گمنام	۲۰/۸
اسد آبادی	۱۳/۳	مادر	۲۶/۸	سی هزارمتری	۱۳/۳
عظاملک	۱۱/۷	طالقانی	۲۰/۶	سیلو	۱۰/۲
بهار	۱۱/۲	اسرار	۱۹/۳	جانپازان	۹/۸
شریعتمداری	۱۰/۴	شهید فهمیده	۱۷	استیر	۸/۶

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که از میان ۳۰ عنصر کالبدی شامل خیابان‌ها، میدین و پارک‌های نام‌برده شده توسط پاسخگویان، تنها یک میدان (شهید فهمیده) و دو پارک (سلامت و شهدای گمنام) در مناطق نوساز و بقیه در بافت قدیمی و میانی شهر واقع شده‌اند. البته درصد فراوانی مربوط به این عناصر نیز نسبت به عناصر واقع در بافت قدیم رقم پایین‌تری را نشان می‌دهد؛ به طوری که درصد مربوط به میدان شهید فهمیده (۱۷ درصد) پایین‌ترین درصد در بین میدین است. همچنین درصد پارک سلامت یعنی ۳۷/۲ درصد و شهدای گمنام یعنی ۲۰/۸ درصد تقریباً در بین درصدهای مربوط به پارک‌ها حد وسط را نشان می‌دهد. این نتیجه بیانگر این واقعیت است که معمولاً عناصر کالبدی در شهرها به‌مرورزمان در ذهن شهروندان جای گرفته و نقش هویت‌بخش ایفا می‌کنند. البته در این رابطه استثناهایی وجود دارد به این معنی که بعضی عناصر کالبدی به دلیل جذابیت تفریحی، تجاری یا معنوی بالا، علی‌رغم جدید بودن مورد توجه شهروندان قرار گرفته و به‌عنوان عناصر شناخته‌شده و هویت‌بخش ایفای نقش می‌کنند. در شهر سبزوار پارک سلامت به دلیل جذابیت تفریحی و موقعیت مناسب آن در حاشیه مسیر اصلی بافت پیوسته شهر به توحید شهر و آرامگاه شهدای گمنام به خاطر احترام و جاذبه معنوی مورد توجه و مراجعه زیاد مردم قرار گرفته و برای مردم شناخته‌شده می‌باشد.

بعد دیگر سؤال دوم این است که آیا عناصر هویت‌بخش کالبدی و مصنوع از نظر شهروندان ساکن در مناطق مختلف (بافت قدیم، بافت میانی، بافت جدید، حاشیه شهر و توحید شهر) تفاوت معنادار با یکدیگر دارند. برای یافتن این پاسخ، از آزمون کای اسکوتر بین متغیر کدبندی شده مناطق محل سکونت پاسخگویان و سه دسته از عناصر کالبدی یعنی خیابان‌ها، میدین و پارک‌ها به تفکیک انجام شده است. نتایج آن در جدول ۶ آمده است. لازم به ذکر است که به‌منظور اجتناب از اطاله مطلب از آوردن جداول توافقی و نتایج تفصیلی آزمون پرهیز گردیده و تنها به ذکر سطح معنی‌داری آزمون که نشان‌دهنده وجود یا عدم وجود رابطه بین دو متغیر یادشده است، بسنده شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون کای اسکوتر بین متغیر محل سکونت پاسخگویان و مولفه‌های کالبدی و مصنوع

مؤلفه (خیابان‌ها)	سطح معناداری آزمون	مؤلفه (میدین)	سطح معناداری آزمون	مؤلفه (پارک‌ها)	سطح معناداری آزمون
بیهق	۰/۲۸۸	کارگر (زند)	۰/۷۱۴	باغ ملی	۰/۶۴۳
کاشفی	۰/۰۸۲	حکیم سبزواری	۰/۸۱۳	شهربازی	۰/۹۲۷
مدرس	۰/۱۰۲	سی هزارمتری	۰/۳۱۹	لاله	۰/۷۷۴
طالقانی	۰/۲۸۵	دروازه عراق	۰/۴۱۴	ارم	۰/۹۳۶
شریعتمداری	۰/۸۳۹	شریعتی	۰/۱۶۷	سلامت	۰/۷۶۱
طالقانی	۰/۲۸۵	فهمیده	۰/۳۱۹	بعثت	۰/۰۷۶

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون در هیچ‌یک از مؤلفه‌ها کوچک‌تر از ۰/۰۵ نیست، بیانگر آن است که بین محل سکونت شهروندان و شناخت آنان از عناصر هویت‌بخش کالبدی و مصنوع شهر تفاوت معناداری وجود ندارد. به‌عبارت‌دیگر جنبه هویتی عناصر کالبدی و مصنوع در مقیاس شهر عمل می‌کند نه در مقیاس مناطق شهری. این بدان معنی است که تقریباً اکثر عناصر کالبدی که بیشترین پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند در بافت قدیم و خیابان‌های مرکزی شهر واقع شده‌اند و محل سکونت ساکنان نیز تأثیری در میزان شناخت آن‌ها از عناصر هویت‌بخش کالبدی شهر نداشته است.

نتیجه‌گیری

عناصر طبیعی، کالبدی و مصنوعی و مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی سه عنصر اصلی هویت‌بخش شهرها هستند که شرایط و ویژگی‌های هر کدام از آنها میزان نقش‌آفرینی آنها را در هویت‌بخشی شهر تعیین می‌کند. این مؤلفه‌ها زمانی نقش هویتی برای شهر ایفا می‌کنند که شهروندان با آن رابطه وابستگی عاطفی و تعلق برقرار کرده و نام و تصاویر آنها در ذهن شهروندان ماندگار شود و جزئی از خاطرات جمعی مردم محسوب شوند. در این تحقیق عناصر هویت‌بخش شهر سبزوار با تأکید بر سه مؤلفه یادشده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس فراوانی نسبی عوارض شناخته‌شده توسط پاسخگویان، به ترتیب گروه مولفه‌های مصنوعی و کالبدی با ۴۴/۲۱ درصد، مولفه‌های طبیعی با ۳۰/۲۹ درصد و مولفه‌های انسانی (۲۵/۴۹ درصد) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. عناصر کالبدی مصنوعی به دلیل اینکه به‌طور روزمره محل مراجعه مردم محسوب شده و شهروندان برای کار، خرید، استفاده از خدمات، دیدوبازدیدها و تفریح ملزم به حضور در این مکان‌ها هستند، بالطبع تکرار مراجعات و اهمیت حفظ آدرس این اماکن باعث نقش بستن نام و تصویر آن در ذهن ساکنان می‌شود. همچنین بسیاری از خاطرات تلخ و شیرین فردی و جمعی افراد در این فضاهای عمومی شکل می‌گیرد که این خود دلبستگی و رابطه عاطفی شهروندان را با این فضاها شکل داده و تداوم می‌بخشد. در بین عناصر کالبدی دو خیابان بیهق و کاشفی بافاصله قابل توجهی نسبت به سایر خیابان‌ها بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است. دلیل این امر را می‌توان در موقعیت این دو خیابان در بخش مرکزی و استقرار کاربری‌های متعدد و متنوع تجاری، بهداشتی و درمانی (مطب پزشکان، داروخانه‌ها و آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی) و انواع خدمات تخصصی و فنی در حاشیه این دو خیابان اشاره کرد.

در مورد عناصر طبیعی می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که شهر سبزوار از اقلیمی گرم و خشک برخوردار است. وجود ارتفاعاتی در شمال و شمال غرب و جنوب شهر به همراه رودخانه‌های فصلی و در موارد معدودی آبخاها و چشمه‌ها باعث تعدیل و تلطیف شرایط آب و هوایی شده و به‌ویژه در تابستان‌ها برای گذران اوقات فراغت مورد استفاده و استقبال مردم قرار می‌گیرد. افزایش ضریب استفاده از اتومبیل شخصی در سال‌های اخیر امکان مراجعه مردم به این مکان‌های طبیعی خارج از شهر را بیش از گذشته افزایش داده است. این امر باعث شده این مکان‌ها برای اکثر مردم شناخته‌شده و هویت‌بخش باشد.

در رابطه با مولفه‌های انسانی و فرهنگی باید گفت با درصد فراوانی نسبی کمتری نسبت به دو مؤلفه مصنوعی و طبیعی جزء عناصر هویت‌بخش شهر سبزوار محسوب می‌شود. در بین این گروه از مؤلفه‌ها، مشاهیر و شخصیت‌های علمی، فرهنگی و هنری با فراوانی بیشتری، نقش هویتی بارزتری در بین شهروندان سبزواری داشته است. شهر سبزوار زادگاه بزرگان و مشاهیر بزرگ ادبی، فرهنگی، مذهبی زیادی می‌باشد که به دلیل تألیف کتب و آثار فرهنگی و یا ارائه خدمات ارزنده در توسعه و آبادانی شهر، از شهرت بالایی بین مردم سبزوار برخوردارند. تعدادی از این شخصیت‌ها به دلیل آثار ادبی، مذهبی و هنری شهرت ملی و حتی جهانی دارند که از آن جمله می‌توان به حاج ملا سبزواری، دکتر علی شریعتی، محمود دولت‌آبادی، ابوالفضل بیهقی اشاره کرد و بعضی از این مشاهیر در سطح شهر و شهرستان به دلیل مردم‌داری و خدمات ارزنده‌ای که برای توسعه و آبادانی شهر انجام داده‌اند در بین مردم به نیک‌نامی شناخته شده‌اند.

یکی دیگر از عناصر هویت‌بخش محلی، قصه‌ها و ادبیات عامه است که در قالب ترانه‌ها و قصه‌های محلی ظاهر می‌شود. در سبزوار ترانه ننه گل محمد به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین اشعار در اذهان مردم بوده و بدان اشاره کرده‌اند که می‌توان به‌عنوان بخش کوچکی از عناصر هویت‌بخش انسانی شهر سبزوار بدان اشاره نمود. البته روایت قصه ننه گل محمد در رمان معروف کلیدر باعث شهرت و ماندگاری این قصه در اذهان شده است.



از دیگر نتایج این پژوهش این بود که از میان ۳۰ عنصر کالبدی شامل خیابان‌ها، میداين و پارک‌های نام‌برده شده توسط پاسخگویان، تنها یک میدان (شهید فهمیده) و دو پارک (سلامت و شهدای گمنام) در مناطق نوساز و بقیه در بافت قدیمی و میانی شهر واقع شده‌اند. همچنین نتایج این تحقیق حاکی از آن است که بین شناخت ساکنان مناطق مختلف شهر از عناصر هویت‌بخش کالبدی و مصنوع شهر تفاوت معناداری وجود ندارد. این امر از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که با توجه به اینکه شهر سبزوار جزء شهرهای متوسط است و اهمیت عناصر کالبدی آن اعم از خیابان‌ها، میداين و پارک‌هایی که بیشتر پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند، در مقیاس شهر بوده و محل مراجعه ساکنان همه مناطق شهر است، بنابراین شناخت آن‌ها برای ساکنان مناطق مختلف تفاوت معناداری نشان نمی‌دهد.

پیشنهادات

از آنجا که هویت شهر یکی از معیارهای توسعه و شاخص مهمی در ارتقاء کیفیت زندگی فردی و اجتماعی و منبع نشاط و سرزندگی شهروندان محسوب می‌شود، توجه به حفظ و تقویت آن به‌ویژه در جریان توسعه فیزیکی و تحولات اجتماعی شهر از اهمیت خاصی برخوردار است. در این راستا بر اساس نتایج این تحقیق پیشنهادات زیر در دو بخش سیاست‌گذاری و عملیاتی مطرح می‌گردد:

- در بعد سیاست‌گذاری با توجه به وجود بافت تاریخی و استقرار بناهای قدیمی متعدد در این بافت، لازم است با تقویت ظرفیت‌های هویت‌بخش تاریخی از جمله بازسازی خانه‌های قدیمی شاخص، ضمن حفظ و تقویت عناصر هویت‌بخش تاریخی، ظرفیت جذب افزایش سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری شهری و به تبع آن جاذبه‌های گردشگری شهری در این بخش افزایش یابد. همچنین با توجه به نقش پررنگ عناصر کالبدی و مصنوعی شهر سبزوار در هویت‌بخشی به این شهر، باید در طراحی خیابان‌ها و میداين جدید و یا نوسازی و بازسازی بافت قدیم به حفظ و ارتقاء جنبه‌های هویتی شهر توجه و اهتمام ویژه‌ای معطوف گردد.

برای فراهم کردن زمینه دستیابی به سیاست‌های فوق می‌توان به موارد خاص زیر اشاره کرد:

- نظر به سابقه طولانی و تاریخ پرفرازونشیب شهر سبزوار و موقعیت آن به‌عنوان خواستگاه مشاهیر و بزرگان ادبی و هنری از یک سو و نقش مهم فضاهای عمومی، پیشنهاد می‌شود حوادث تاریخی و مشاهیر در قالب نمادها و نشانه‌های شهری و آثار هنری از جمله تندیس‌ها و نقاشی‌ها در خیابان‌ها، میداين و پارک‌ها به معرفی این حوادث و مشاهیر پرداخته شود.

- برای معرفی و یادبود شخصیت‌های علمی و فرهنگی از جمله ابوالفضل بیهقی و حکیم سبزواری و یا رویدادهای تاریخی (نهضت سربداران) همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی در شهر برگزار گردد.

- یکی دیگر از منابع هویت شهری خاطرات جمعی شهروندان است. در این رابطه پیشنهاد می‌گردد خیابان‌ها و یا میدان‌هایی که پتانسیل آن رادارند، با حذف حضور وسایط نقلیه و تشویق استفاده پیاده، فضاهای عمومی مناسب و جذاب برای حضور پیوسته مردم برای خرید و تفریح و همچنین برگزاری مراسم آیینی و جشن‌های دسته‌جمعی و نمایش‌های خیابانی ایجاد شود.

پی نوشت: این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به همین نام استخراج شده است که در دانشگاه حکیم سبزواری دفاع شده است.

سه‌م نویسندگان: فاطمه هاجری (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی، نگارنده بحث (۴۰٪)، یعقوب زنگنه (نویسنده دوم، مسئول)، پژوهشگر کمکی، روش‌شناس (۴۰٪)، علیرضا حمیدیان (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی (۲۰٪)

منابع و مآخذ

- Alikhani, A. A. (2007). *Identity and identity crisis* (Second ed.). Tehran: Jahad University Press. (Persian)
- Barreto, M., & Ellemers, N. (2000). You can't always do what you want: Social identity and self-presentational determinants of the choice to work for a low-status group. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26(8), 891-906. [DOI:10.1177/01461672002610001]
- Behzadfar, M. (2011). *The identity of city; A look at the identity of Tehran* (Third ed.). Tehran: City Publishing. (Persian)
- Bell, D. A., & De-Shalit, A. (2011). *The Spirit of Cities, Why the Identity of a City Matters in a Global Age*. Princeton: Princeton University Press.
- Berger, T. (2016). *Place, Imaginary, Identity: Place Ethnography in Truth or Consequences*. (PhD Thesis), The University of New Mexico, Albuquerque.
- Brocato, E. D. (2006). *Place attachment: An investigation of environments and outcomes in a service context*. (Doctor of Philosophy), University of Texas at Arlington.
- Cheshmehzangi, A. (2015). Urban identity as a global phenomenon: hybridity and contextualization of urban identities in the social environment. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 25(5), 391-406.
- Gharab, N. (2011). *Urban identity*. Tehran: Rahdan, Ministry of Interior, Center of Urban Planning Studies. (Persian)
- Ghasemi Esfahani, P. (2004). *Where are we from, identity to residential buildings*. Tehran: Raozaneh. (Persian)
- Habib, F., Naderi, S. M., & Froozangohar, H. (2008). Subordinate questioning in urban discourse and identity (city phisic is subordinate identity or identity is subordinate city phisic?). *City Identity*, 2(3), 13-23. (Persian)
- Hayati, A. (2010). *Evaluation of identity components of urban neighborhoods in Evin district of Tehran*. (Master's Thesis), Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian)
- Landry, C., & Murray, C. (2017). *Psychology & the City: The Hidden Dimension*. Gloucestershire: Comedia.
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28(3), 209-231. [DOI:10.1016/j.jenvp.2008.02.001]
- Lynch, K. (1995). *City view* (M. Mazini, Trans.). Tehran: Tehran University. (Persian)
- Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of planning literature*, 20(4), 335-350. [DOI:10.1177/0885412205286160]
- Murzyn-Kupisz, M., & Gwosdz, K. (2011). The changing identity of the Central European city: The case of Katowice. *Journal of Historical Geography*, 37(1), 113-126. [DOI:10.1016/j.jhg.2010.04.001]
- Nientied, P. (2018). Hybrid urban identity—the case of Rotterdam. *Current Urban Studies*, 6(1), 152-173. [DOI:10.4236/cus.2018.61008]
- Nofel, S. A., Kalbadi, P., & Porjafar, M. R. (2009). Investigation and evaluation of effective indicators in urban identity (case study of Jolfa neighborhood in Isfahan city). *Utophaneshahr*, 2(3), 57-69. (Persian)
- Noqrekar, A., Hamzehnegad, M., & Ranjbar Kermani, A. M. (2009). *An Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Payame Noor University. (Persian)
- Payton, M. A. (2003). *Influence of place attachment and social capital on civic action: A study at Sherburne National Wildlife Refuge*. (master's thesis), University of Minnesota.
- Piran, P. (2005). The identity of cities; A great melee for a complex concept. *Magazine Abadi*, 15(48), 6. (Persian)
- Qaraee, F. (2008). A comparison of the viewpoint of public and environmental designers on urban identity and its strengthening (case study: Shemiran area, north of Tehran). *Architectural and Urban Planning*, 1(1), 25-36. (Persian)
- Rezazadeh, R. (2010). The Role and Function of Urban Identity in Promoting Citizens Identity and Their Presence in Urban Space. *Shams Magazine*, 8(71), 42-52. (Persian)
- Riza, M., Doratli, N., & Fasli, M. (2012). City branding and identity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 293-300. [DOI:10.1016/j.sbspro.2012.02.091]
- Sabri, S., & Sharzadeh Mehrabi, Z. (2006). *The Position of the Concept of Identity in New Towns*. Paper presented at the International Conference on New Towns, Tehran. (Persian)
- Sajjadzadeh, H. (2013). The role of attachment to place in the identity of urban areas (case study: Hamedan Tomb square). *Bagh-Nazar Magazine*, 10(25), 69-78. (Persian)

- Shajeie, S. S. (2015). *Forgotten identity in historical fabrics (case study: Historical fabric of Sabzevar)*. Paper presented at the National Conference on Native Architecture and Urban Planning of Iran, Yazd. (Persian)
- Singer, T. (2010). *Psyche & the city, a Soul's guide to the modern metropolis*. New Orleans, LA: Spring Journal.
- Williams, D. R., Patterson, M. E., Roggenbuck, J. W., & Watson, A. E. (1992). Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure sciences*, 14(1), 29-46. [DOI:10.1080/01490409209513155]
- Zanganeh, Y. (2002). *An analysis of the factors affecting physical development and social-spatial construction of the city (case study: Sabzevar)*. (PhD), Tarbiat Modares University, Tehran. (Persian)
- Zanganeh, Y., Hossein Abadi, S., Roshandel, T., & Nabipoor, R. (2014). The impact of place spending and social capital on participatory improvement of Sabzevar old districts (case study: Sardeh neighborhood),. *Urban Research and Planning*, 5(19), 111-128. (Persian)
- Zarghami, I., & Aminian, M. (2012). Urban identity and landscape (case study of Pakdasht). *Quarterly Journal of Islamic Studies*, 3(9), 49-58. (Persian)